

مسطور است (نسخه کتابخانه ملی پاریس، طبری شماره ۲۲۱۱ ورق
۲۷-۲۹)،

ص ۶۵ س ۱۸،

و طعم الموت فی امر حنیر . کطعم الموت فی امر عظیم
از فصیح ابست از منتهی که مطلع آن ابست:

إذا غمرت فی شرف مَرُوم . فلا تفتح بما دون النجوم

(شرح دیوان المنتهی للیازجی ص ۲۴۸)، - ایضاً ص ۲۲،

تصحُّ الرَّدِیَّاتُ فینا وَ فِیهِمْ . صِیَاحُ بَنَاتِ الْمَاءِ أَضْجَعْنَ جُوعًا
از المثلّم بن ریاح المرّیّی از شعراء حماسه است (شرح الحماسة
للتبریزی ج ۱ ص ۱۹۹)،

ص ۸۰ س ۹،

إذا لم یکن یغنی الفرار من الرّدى . علی حاله فالصبرُ أولى و آخزُم
از فصیح ابست از ابی فراس الحمدانی (بنیمة الدهر ج ۱ ص ۲۴)،

ص ۸۸ س ۲۰،

إذا ما فارقتنی غمّاتی . کأنا عاکفانِ علی حرام

از فصیح ابست از منتهی که مطلع آن ابست:

مَلُومَکَما یَجِلُّ عن الّلام . وَ وَقَعُ فَعَالِیهِ فَوْقَ الْکَلَامِ

ص ۹۰ س ۱۹-۲۰، این دو بیت را باقوت در معجم البلدان در ذیل
«سمرقند» نسبت بیستی میدهد و ظاهراً مقصود ابو الفتح بستی است،

ص ۹۱ س ۱، این بیت از فصیح ابست از ابو سعید الرستمی در مدح
صاحب بن عبّاد و این بیت و آیات قبل از آن در وصف
اصفهان است (بنیمة الدهر ج ۲ ص ۱۴۴)،

ص ۹۷ س ۳-۴، این دو بیت را باقوت در ذیل «خوارزم» بمحمد بن
نصر بن عین الدمشقی شاعر معروف نسبت میدهد و ترجمه حال
او در تاریخ ابن خلکان در حرف میم مسطور است،

ص ۱۰۱ س ۱۱-۱۲،

رُبَّ رَكْبٍ قَدْ آتَاخُوا حَوْلَنَا . يَهْزُجُونَ الْخَمْرَ بِالسَّاءِ الزَّلَالِ
 ثُمَّ أَضْحَوْا عَصَفَ الدَّهْرِ بِهِمْ . وَكَذَلِكَ الدَّهْرُ حَالٌ بَعْدَ حَالٍ
 از ایاتی است از عدی بن زید العبادی فی قصه طویله (کتاب
 الأغانی ج ۲ ص ۱۸، ۲۴، که اندکی با اینجا اختلاف دارد)،

ص ۱۰۴ س ۷،

كَلِيهِ وَ جُرَيْهِ جَعَارٍ وَ آبِشْرِي . بِالْخَمْرِ أَمْرِي لَمْ يَشْهَدِ الْيَوْمَ نَاصِرُهُ
 از نایفه جعدی است، و جعار مینبأ علی الکسر بمعنی گفتار است،
 و این بیت را مثل آورند برای آنکس که از حیث عزت و منعت
 بر همه غالب بوده و حال دشمن بر وی ظفر یافته، و این
 بیت را در مجمع الأمثال میدانی در ذیل مثل «عِثِي جَعَارٍ» و در
 لسان العرب در ماده ج ر ر و ج ع ر و در اغانی ج ۴ ص ۱۷۸
 و در کتاب سیبویه در باب ما لا بنصرف ج ۲ از طبع
 بولاق ص ۲۸ بانحاء مختلفه ذکر نموده اند، - ایضاً س
 ۱۶-۱۷، ثعالبی در تنمیه النبیمة این ایات را بابی بکر عبد الله
 ابن محمد بن جعفر اللاسکی نسبت میدهد که در زوال دولت
 سامانیه گفته است بدین طریق:

تَخْبِلُ شِدَّةَ الْأَيَّامِ لَيْسًا . وَ كُنْ بِصُرُوفِ دَهْرِكَ مُسْتَهِينًا
 أَلَمْ تَرِ دُورَهُمْ تَبَكَّى عَلَيْهِمْ . وَ كَانَتْ مَالِنَا لِلْعَزِّ حِينًا
 وَ قَفْنَا مُعْجَبِينَ بِهَا إِلَى أَنْ . وَ قَفْنَا عِنْدَهَا مُتَعَجِّبِينَ
 (تنمیه النبیمة نسخه کتابخانه ملی پاریس، عربی شماره ۲۲۰۸ ورق
 ۵۲۸)،

ص ۱۱۹ س ۱۵-۱۶، ثعالبی در بنیمة الدهر ج ۴ ص ۱۶ این دو بیت را
 بابو علی الساجی نسبت میدهد بدین طریق:

بَلَدٌ طَيِّبٌ وَ مَاءٌ مَعِينٌ . وَ ثَرَى طَيِّبُهُ بِنُوقِ الْعَبِيرَا

www.KetabFarsi.com

و اذا المره قدر السیر منه . فهو ينهاه باسمه ان يسيرا
ص ۱۲۸ س ۱۰-۱۱، ثعالبی در بنیة الذهر ج ۲ ص ۱۱۸ این دو
بیت را بابو الحسن محمد بن محمد المشهور باین لکنک البصری
شاعر معروف نسبت میدهد بدین طریق :

نحن والله في زمان غشوم . لو رأيناه في المنام فرعنا
يصبح الناس فيه من سوء حال . حتى من مات منهم أن يهنا

ص ۱۲۳ س ۱۴، مشهور آنست که این بیت از حضرت فاطمه بنت
رسول الله علیها السلام است،

ص ۱۲۴ س ۸-۱۰، این سه بیت گویا از ابو الشیبص الخزاعی است،
منوچهری در یکی از قصاید خود که مطلعش اینست :

جهانا چه بد مهر و بدخو جهانی . چو آشفته بازار بازارگانی
در آخر قصیده گوید :

بر آن وزن این شعر گفتم که گفتست . ابو الشیبص اعرابی باستانی
أهأجك و اللیل ملقی الحیران . غراب بنوح علی غصن بان

و این قصیده ابو الشیبص را عجمالّه در جائی نیافتم و در اغانی
ج ۱۵ ص ۱۱۰ در ترجمه حال ابو الشیبص الخزاعی فقط یک
بیت بر این وزن و قافیه دارد که معلوم میشود جزء همین قصیده
بوده است و آن بیت اینست :

یطوف علينا بها آخوّر . بداه من الكاس محضوتان

و ضمیر بها راجع بخر است،

ص ۱۴۲ س ۴،

نكفيه إن تمنن متنا أن يسب بنا . و هو إذ ذكر الآباء بكفينا

از جمله ایاتی است مشهور از بشامة بن حزن النهشلی (خرانه
الأدب و لبّ لباب لسان العرب فی شرح شواهد شرح الکافی للرضی

الأمام عبد القادر بن عمر البغدادی طبع بولاق سنة ۱۲۹۹ ج ۲
ص ۱۰۱۱،

ص ۱۴۹ س ۷، این بیت را ثعالبی در تنمۃ النیمة در یک موضع بابی
الحارث بن التمار الواسطی و در موضع دیگر بابی محمد لطف الله
بن المعافی نسبت میدهد (تنمۃ النیمة نسخه کتابخانه ملی پاریس،
عربی شماره ۲۴۰۸ ورق ۵۱۲، ۵۸۰)،

ص ۱۵۲ س ۹، از قصیده ایست از ابی اسحق ابراهیم بن عثمان الغزّی
شاعر معروف در مدح مُکرم بن العلاء. صاحب کرمان و این بیت
معروف از آن قصیده است:

حَمَلْنَا مِنَ الْآبَامِ مَا لَا نُطِيفُهُ . كَمَا حَمَلَ الْعَظْمُ الْكَبِيرُ الْعَصَائِبَا
(دیوان الغزّی نسخه کتابخانه پاریس، عربی شماره ۲۱۲۶ ورق ۳)،

ص ۱۵۸ س ۹-۱۰، این دوبیت مطلع مزدوجة طردیه (یعنی مثنوی
شکاربیه) ایست از ابو فراس الحمدانی شاعر معروف و بیت اول را
ثعالبی در بنیمة الدهر ج ۱ ص ۵۸ بدین طریق ذکر کرده:

مَا الْعُرُّ مَا طَالَتْ بِهِ الدَّهْوُرُ . الْعُرُّ مَا تَمُّ بِهِ الشُّرُورُ

ص ۱۵۹ س ۲۲، این بیت از ابو الفتح بُستی است (بنیمة الدهر ج ۴
ص ۲۱۴)،

ص ۱۶۰ س ۱۲، این بیت از قصیده ایست از ابی تمام و در دیوان
او بدین طریق مسطور است:

و نَغْمَةٌ مُعْتَفٍ بِرَجْوِهِ أَحْلَى . عَلَى أُذُنَيْهِ مِنْ نَغْمِ السَّمَاعِ

(دیوان ابی تمام طبع بیروت ص ۱۹۴)،

ص ۱۶۶ س ۱۵، هُنْدَى الْمَكَارِمِ لَا قَعْبَانٍ مِنْ لَبَنِ، مصراع دوم آن
اینست: شیباً بهاء فعاداً بعد أبوالآ، از جمله ایاتی است مشهور

از اُمیة بن ابی الصَّلْتِ الثَّقَفِيّی در مدح سیف بن ذی یزن فی قصّة طویلة (کتاب الأغانی ج ۱۶ ص ۷۱-۷۷)،

ص ۱۶۷ س ۱۲، از فصیحه ایست از ابن العمید وزیر معروف آل بویه (بتیمة الدهر ج ۲ ص ۱۸)،

ص ۱۷۲ س ۴-۵، بیت دوّم از جمله ایاتی است که باخرزی در دمیة الفصر بابی بکر علی بن الحسن النهستانی (صاحب ایات سبینه مذکوره در ص ۱۹۴) نسبت میدهد ولی باز تصحیح و تفسیر آن کما ینبغی معلوم نشد، و بیت اوّل یعنی غیرى طوع اللّعاة الخ در دمیة الفصر مذکور نیست و شاید در نسخه حاضره سقطی باشد، مطلع ایات اینست:

إِنَّ شَبَابًا وَ إِنَّ خَمْرًا . وَ إِنَّ لِي فِيهَا لَأَمْرًا

مَا أَنَا وَ التُّسْكُ وَ التَّعْرِي . وَ إِنَّ زَيْدًا وَ إِنَّ عَمْرًا

مَعْصِيَةَ اللَّائِمِينَ فِيهَا . فَهِيَ ^(۱) وَ كَلَنَاهَا وَ نَمْرًا

يَا لَائِمِي وَ الْمَلَامُ لَغَوًّا . لِأَشْرَبِينَ مَا حَيِّتُ خَمْرًا

الی آخر الآیات (دمیة الفصر للباخرزی نسخه کتابخانه ملی پاریس، عربی شماره ۲۲۱۲ ورق ۱۶۰)،

ص ۱۷۴ س ۱۷، این بیت از ابو الفتح بُسْتِيّی است (بتیمة الدهر ج ۲ ص ۹۸)، - ایضاً س ۱۰، این بیت از قاضی ابو الحسن مؤمل ابن خلیل بن احمد البُسْتِيّی معاصر غزنویّه است که در اجازه بیت بعد گفته است (تتمة البتیمة نسخه پاریس، ورق ۵۷۵)، و اجازه عبارتست از آنکه شاعر مصراع یا بیت شاعری دیگر را تکمیل نماید یعنی بهمان وزن مصراع یا شعره دیگر بر آن بیفزاید که معنی متمم مصراع یا بیت سابق باشد،

ص ۱۷۵ س ۷، این بیت از ابن درید است و بیت قبل از آن اینست:

بَا مَن بَقِيلُ كَفَّ كُلِّ مَخْرَقٍ . هَذَا ابْنُ بَجِي لَيْسَ بِالْمَخْرَقِ
(کتاب الأغانی ج ۹ ص ۲۹)،

ص ۱۷۶ س ۸،

وَ نَكَكُلُ الْإِنَامَ عَنْ آبَائِهِمْ . حَتَّى وَدِدْنَا أَنَا إِنَامُ
از قصیده ایست از ابو تمام در مدح مأمون که مطلعش اینست:
دِمْنٌ أَلَمَ بِهَا فَقالَ سَلامُ . كَمَ حَلَّ عَقْدَةَ صَبْرِهِ الْإِلْهَامُ
(دیوان ابی تمام طبع بیروت ص ۲۸۰)

ص ۱۷۷ س ۲۰، از ابی الغوث المنجی است و بیت بعد اینست:
وَ كُلُّهَا طَرَقُوهُ زَادَ نَائِلُهُ . كَالنَّارِ يُؤَخَذُ مِنْهَا وَهِيَ تَسْعَرُ
(نسخة الیئمة نسخة پاریس ورق ۵۲۴)،

ص ۱۸۷ س ۱-۲،

وَ إِذَا أَنَاءُ سَائِلًا . رَبُّ الشُّؤْبَةِ وَ البَعِيرِ
أَبْصَرَنَهُ يَفْنَائِهِ . رَبُّ الْخَوَزَنِيِّ وَ السَّدِيرِ
از قصیده ایست از ابی بکر خوارزمی در مدح ابو علی بن سبجور
(تاریخ بمبئی طبع دهلی سنه ۱۲۶۲ ص ۷۲)، و ابن قصیده بموازنه
قصیده معروف مُنْخَلِ بَشْكَرِي است که مطلعش اینست،
إِن كُنْتُ عَازِلِي فِسِيرِي . نَعُو الْعِرَاقِي وَ لَا نَحْوَرِي
و در آن گوید:

فَإِنَّا أَنْتَشَيْتُ فَأَنِّي . رَبُّ الْخَوَزَنِيِّ وَ السَّدِيرِ
وَ إِذَا صَحَوْتُ فَأَنِّي . رَبُّ الشُّؤْبَةِ وَ البَعِيرِ

(شرح الحماسة للتبریزی ج ۲ ص ۴۵-۴۹)،

ص ۱۹۷ س ۱، بَادِرٌ فَإِنَّ الْوَقْتَ سَبَفٌ فَاطْعٌ، تَامَهُ : وَ الْعَبْرُ جَيْشُ
وَ الشَّبَابُ امِيرٌ، از قصیده ایست از ابی اسحق الغزالی شاعر معروف
(دیوان الغزالی نسخة پاریس ورق ۷)،

ص ۱۹۹ س ۱۲،

مَنْ عَزَّ بَزَّ وَ عَزَّ أَحْمَرٌ فِي ظِلِّهِ
فَأَنبَاهَا يَسْغُبُ الْهَرْمَاسُ مِنْ آنْفِهِ

نامه
ظَلْفٌ بَحْرِيكٌ بِمَعْنَى ابَاءٍ وَ كَفَتْ نَفْسٌ مِنْ رِذَائِلٍ وَ بِمَعْنَى خَشُونَتِ
وَ سَخْتِ زَنْدِگَانِي اسْتِ، وَ يَسْغُبُ بِمَعْنَى گِرْسَنگِي مِيكَنْدِ وَ هَرْمَاسُ
بِكْسَرِ بِمَعْنَى شِيرِ شَرُزِه اسْتِ وَ آنْفٌ بَحْرِيكٌ بِمَعْنَى نَنگِ دَاشْتَنِ از
چِيزهاي پست اسْتِ، وَ اِيْن بِيْتِ مَطْلَعِ قَصِيْدِه اسْتِ از ابي اسْحَقِ
غَزْرِي مَذْكُورِ دَرِ مَدْحِ سَيِّدِ اشْرَفِ بَسْمَرَقَنْدِ، وَ فِيْهَا يَقُوْلُ:
أَسِسْ عَلَى الْعِلْمِ مَا تَرْجُو بِنِيَّتِهِ^(۱) . فَأَلْجَهُلُ يَنْقُضُ مَا يُبْنِي عَلَى جُرْفَةٍ
(دِيوانِ الغَزْرِي، اِيضًا، رِقْ ۵۸ وَ ۱۲۶)،

ص ۲۰۲ س ۶، از قصیده ایست از ابی اسحق الغزری (ایضاً، ورق ۲۴)،
ص ۲۲۰ س ۴-۴، این دو بیت از حسین بن علی المرورودی معاصر
سامانیّه است (بنیمة الدهرج ۴ ص ۲۱)،

ص ۲۴۲ س ۱۲-۱۲، این دو بیت از ابو الفرج بن ابی حصین القاضی
الحامی است (تتمة البنیمة نسخة پاریس ورق ۵۲۰)،

(۱) کذا فی الأصل ای «بنیة»، و در کتب لغت معوله بنیة بمعنی بناه چنانکه
مناسب مقام است نیامه است،

فهرست اسماء الرجال،

(حرف ح یعنی حاشیه و حرف ظ یعنی ظاهرآ)،

- آدم ابو البشر، ۲، ۳، ۲۱، ۸۸، ۹۶، ۹۸، ۱۰۵، ۱۱۹، ۱۳۴،
 آق مَلِك، لقب هایون سهسالار، ۱۴۱، رجوع کنید بدین کلمه،
 ابراهیم بن عثمان بن محمد الغزّی الشاعر، ابو اسحق، ۶۴، ۱۵۴، ۱۶۳،
 ۱۶۶، ۱۷۳، (حَ فی جمیع المواضع)، رجوع کنید نیز بالغزّی،
 احمد، سالار-، ۱۰۸،
 احمد بالجمع (P)، ۵۹، ۶۰،
 احمد نخجندی، ۵۹،
 احمد بن محمد الرّشیدی اللوکری، القاضی ابو الفضل -، ۸۳ ح،
 احنف [بن قیس مشهور بجم]، ۱۵۹،
 اختیار الدّین، ملک آمویه، ۱۳۴،
 اریوقا بهلولان، از امراء محمد خوارزمشاه در خوارزم، ۹۷،
 ارسلان، امیرزاده در مرو، ۱۴۱،
 ارسلان خان قیابغ، ۴۸ ح، ۵۶، ۵۸، ۶۳،
 ارغون، امیر -، حاکم عراق و آذربایجان و شروان و لور و کرمان و
 فارس و طرف هندوستان از جانب کیوک خان، ۷۸، ۱۹۹، ۲۰۵،
 ۲۱۲، ۲۴۱،
 ابن ارمک (ابو سعد)، ۱۸۰،
 اریق بوکا بن تولی بن چنگیز خان، ۸۵ ح، ۲۱۱ ح،
 اسفندیار، ۹۱، ۱۰۷، ۱۱۰،

اسکندر رومی، ۱۶، ۲۱۶،

اغراق (نصیف اغراق؟ رجوع کنید باین کلمه)، ۱۰۹،

اغراق، سیف الدین -، از امراء نرک سلطان جلال الدین منکبری،

۱۰۶، ۱۰۹ (؟)،

اغل (اغل) حاجب، از امراء محمد خوارزمشاه در خوارزم، ۲۷ ح،

۱۲۴، هان مغول حاجب است رجوع کنید بدین کلمه،

اغل غایش خاتون، زوجه کیوک خان بن اوکنای قآن بن چنگیز خان،

۲۵ ح، ۲۸ ح، ۲۰۲ ح، ۲۱۶-۲۲۱، رجوع کنید نیز بغایش،

افراسیاب، ۴۰، ۶۲، ۱۶۶،

الاجی (الاجین) بیکی، دختر چنگیز خان که نامزد ایدی قوت بود، ۲۴،

الاق نوین، ۷۰،

البارخان، از انزاک سلطانی در سمرقند، ۹۳،

الب خان، از انزاک سلطانی در سمرقند، (هان البار خان است؟)، ۹۴،

التون بیکی، دختر چنگیز خان که نامزد ایدی قوت بود، ۲۳، ۳۴،

التون خان، پادشاه ختای معاصر چنگیز خان که چنگیز خان او را کشت، ۲۹،

التون خان، پادشاه ختای معاصر اوکنای قآن بن چنگیز خان که خود را

از غصه کشت، ۱۵۱، ۱۵۳،

الش (الوش) ایدی، از امرای مغول و فاتح جند، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۲،

الغ نوین، لقب تولی بن چنگیز خان، ۱۱۷، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷،

۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲،

امین، خلیفه عباسی، ۱۸۸ ح،

آنس [بن مالک]، ۱۹۴،

اونجی نویان، ۴۱ ح، هان اونکین نویان است رجوع کنید بدین کلمه،

اونکین نویان بن یسوکای بهادر، برادر چنگیز خان، ۲۱ (شرح در ح)،

۱۴۵ (شرح در ح)، ۱۴۷، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۰،

اورنگین، از ملوک قدیم ایغور، ۴۱،

اورجان (اورجفان) بن چنگیز خان، ۱۴۳،

اورقبنه، زوجه قرا هولاکو بن مانیکان بن جغتای بن چنگیز خان، ۲۴۰،

اوزار خان المالیغ، ۲۱ ح، ۴۸، ۵۷، ۵۸ ح،

اوکنای قآن پسر ستم چنگیز خان و جانشین او، ۲۱ ح، ۲۹، ۴۱، ۴۲،

۶۴، ۷۳ ح، ۸۴ ح، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۴۱-

۱۴۷، ۱۵۵ ح، ۱۹۷ ح، ۲۰۶ ح، ۲۱۰ ح، ۲۲۲ ح،

اوکچ، پادشاه ایغور، ۴۸، ۴۹،

اولاغ خان، از اتراک سلطانی در سمرقند، ۹۵،

اولانچی بن سرتاق بن بانو بن نوشی بن چنگیز خان، ۲۲۴،

اونک خان، پادشاه قبایل کرایت و ساقیز که بدست چنگیز خان مغلوب

و مقتول شد، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۴۶، ۸۴ ح، ۲۲۰ ح،

ایدکاج، از امرای ایغور، ۴۴، ۴۸،

ایتکو ملک، حاکم فناکت از جانب محمد خوارزمشاه، ۷۰،

ایل خواجه، پسر امیر نور، ۷۹،

ایلچتای نوین، پسر قاجیون بن بسوکای بهادر و برادر زاده چنگیز خان،

۱۴۵، ۲۰۴،

ایلچیکنای، از امراء معتبر مغول که از جانب کیوک خان بفتح و امارت

ولایات غربی و قلع و قمع ملاحظه مأمور شد، ۲۱۱، ۲۱۲،

ایلدر نوین، از امراء اوکنای قآن، ۸۹،

ابنال جق، ملقب بغایر خان حاکم انرار، ۶۰،

ابوب نبی، ۵۴،

بانو بن نوشی بن چنگیز خان، ۴۹، ۷۴، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۹۸، ۲۰۵،

۲۱۷، ۲۱۸ ح، ۲۲۰-۲۲۶، ۲۲۴،

باده (بادای)، از ملازمان اونك خان، ۲۷،
یاربد، ۲۰۷،

بارجوق، ایدی قوت (یعنی امیر) ایغور، ۲۲-۲۴، ۶۴،
بالاخان، از اتراك سلطانی در سمرقند، ۹۲،

بایدار بن جغتای بن چنگیز خان، ۲۰۵، ۲۲۴،
بت تنگری، نام یکی از گهته مغول، ۲۸،

بدر الدین لؤلؤ، سلطان -، از غلامان انابکان موصل و جانشین ایشان،
۳۰۵،

بدیع [الزمان] همدانی، ۸، ۹۱، ح، ۱۷۰، ح،

برافچین خاتون، زوجه بانو بن نوشی بن چنگیز خان، ۲۲۴،
برتان بهادر، جد یعنی پدر پدر چنگیز خان، ۲۵، ح،

برزین، از مستشرقین روس و طابع قسمتی از جامع التواریخ که متعلق
است بتاریخ قبایل مغول و تاریخ اجداد چنگیز خان و تاریخ خود

چنگیز خان، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۱-۳۴، ۴۶، ۴۷، ۶۶، ۶۹، ۷۰،
۷۹، ۸۵، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۲،

۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۴۲، ۱۴۵، ۲۲۰، (ح فی جمیع المواضع)،

برشاس خان، از اتراك سلطانی در سمرقند، ۹۵،

برکچار بن نوشی بن چنگیز خان، ۱۴۴، ۲۰۵، ۲۲۲،

برکه (برکا) بن نوشی بن چنگیز خان، ۱۴۴، ۲۰۵، ۲۲۱،

برماس (بارماس)، شخته مغول در مرو، ۱۲۷-۱۲۹،

برون، ادوارد -، از مستشرقین انگلیس و طابع تذکرة الشعراء موسوم
بلباب الالباب لمحمد العوفی ۵۹، ح، ۱۹۵، ح،

برهان الدین، از ائمه بخارا و از آل برهان، ۸۸،

البطلیوسی (ابوبکر عاصم بن ابوب)، شارح دیوان النابغه، ۱۸۱، ح،

بککین - سلاح دار، ۱۱۶،

بلا بینگی، ۲۴، ۲۷-۲۹،

بلوشه، ادگار -، از مستشرقین فرانسه و طابع قسمتی از جامع التواریخ از

اوکنای قان تا تیمور قان، ۱۰، ۲۶، ۲۹، ۴۱، ۵۱، ۶۸، ۸۴،

۸۵، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۸۱، ۱۸۶، ۱۹۰،

۱۹۴، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۶،

۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۸، (ح فی جمیع المواضع)،

بجمل (پ - بوخال؟) بن نوشی بن چنگیز خان، ۲۲۱،

بو تراب، سید -، ۱۲۷،

بوچک بن تولی بن چنگیز خان، ۲۲۴،

بورته فوجین، نام اصلی یسویخین بیکی خانون بزرگتر چنگیز خان، ۲۹ ح،

بوری بن ماتیکان بن جغتای بن چنگیز خان، ۲۰۵، ۲۲۴،

بوفا، فلاووز محمد خوارزمشاه، ۱۲۰، ۱۲۱،

بووال } بن نوشی بن چنگیز خان، ۲۲۱ ح، ۲۲۲ ح،
بووال }

بوقو خان (بوقو تکین)، یکی از ملوک قدیم ابغور، ۴۰-۴۴، ۱۹۲،

بهاء الدین مرغینانی، وزیر پیسو بن جغتای بن چنگیز خان، ۲۲۹-۲۳۲،

بهاء الملك پسر نجیب الدین قصه دار، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳،

۱۲۹ (ظ)،

بیژن، ۴۰، ۶۲،

بیکی، ۷۸، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۲۰، رجوع کنید نیز بسرفوتی بیکی،

بیلکافتی، از امرای ابغور، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸،

بیلکهای نوین بن یسوکای بهادر، برادر پنجم چنگیز خان، ۱۴۵،

پهلوان ابو بکر دیوانه، پسر -، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۲ (?)

پله، رجوع کنبد بنبله،

- نابط شرا، ۱۹۷ ح،
 تاج الدین نمران، ۴۸ ح،
 نارای (محمود)، ۸۵-۹۰،
 نارای، ابلی پادشاه ایغور بنزد چنگیز خان، ۴۳،
 نایانک خان، پادشاه قوم نایمان از قبایل اتراک، ۴۶ ح،
 نایجو قوری، ۲۲۰ ح،
 ناینال نوین، از امراء چنگیز خان، ۷،
 نربای (هان نربای نقشی است) ۴۳، ۱۳۰، ۱۳۱،
 نربای نقشی، از امراء چنگیز خان که بتعاقب سلطان جلال الدین
 منکبری مأمور شد، ۱۱۰، ۱۱۲،
 ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه، ۶، ۹۷،
 نغاتبور بن توشی بن چنگیز خان، ۱۴۵، ۲۰۵،
 نغاجار گورگان، داماد یعنی شوهر دختر چنگیز خان، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۰،
 نغای خان، از اتراک سلطانی در سمرقند، ۹۵،
 نغاتبور، رجوع کنبد بنغاتبور،
 نغای، از امراء مغول در فتح خجند، ۷،
 نچوک (نچک)، از امراء چنگیز خان که بتعاقب سلطان جلال الدین منکبری
 مأمور بود، ۱۰۵، ۱۰۶،
 نکش [بن ایل ارسلان بن انسز] خوارزمشاه، ۱۲۷،
 نکبش (نکش)، غلام بیلکافتی از امراء ایغور، ۳۵، ۳۶، ۳۹،
 نکش (نوکبش) بوقا، از امراء ایغور، ۴۴، ۴۷،
 ابو تمام شاعر، ۱۷۶ ح،
 نمرچین (یا نمرچین)، نام اصلی چنگیز خان، ۲۶، ۲۸،

www.KetabFarsi.com

تمشا (نوشا)، شخه بخارا از جانب مغول، ۸۳ ح، ۸۷، رجوع کنید بنوشا،
 نوکه اونچکین، ۴۱ ح، هان اونکین نویان است، رجوع کنید بدین کلمه،
 تنگوت (ننگوت) بن نوشی بن چنگیز خان، ۱۴۴، ۱۴۵ ح، ۲۲۱، ۲۲۴،
 توراکینا خانون، زوجه اوکنای قآن بن چنگیز خان و مادر کبوک
 خان بن اوکنای قآن، ۴۴، ۱۹۵-۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۶،

نوریای نقشی، رجوع کنید بنریای نقشی،

نوشا باساق (نمشا)، شخه بخارا از جانب مغول، ۸۳، رجوع کنید بنمشا،
 نوشی، پسر بزرگتر چنگیز خان، ۲۹، ۴۱، ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۶۶ ح، ۹۷،
 ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۲۵ ح، ۱۴۴، ۲۰۵ ح، ۲۲۱،

نوق نغان (نوق نوغان)، امیر قبیله مکریت از قبایل مغول، ۴۶، ۴۷،
 ۵۱، ۶۲،

نوکاک نکین، از ملوک قدیم ایغور، ۴۱، ۴۲،

نولی بن چنگیز خان، ۲۹، ۴۱، ۷۶، ۸۰، ۸۵ ح، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۷،
 ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۰ ح، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۴۰، ۱۴۶ ح،

ح ۱۵۰.

تهمتن، برادر [ابو بکر بن سعد بن زنگی^(۱)] اناک شیراز، ۱۸۹،

تیمور ملک، حاکم نجند از جانب محمد خوارزمشاه، ۷۰، ۷۱،

تیمور نوین، از امراء خواجه و ناقو پسران کبوک خان، ۲۱۸، ۲۱۹،

التعالی، ۶۳، ۸۳، ۹۱، ۱۴۳، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۹۴، (ح فی جمیع
 المواضع)،

ثقة الملك، از اعیان دولت محمد خوارزمشاه در سمرقند، ۹۶،

جار الله العلامة [الزبخسری]، ۱۲،

(۱) رجوع کنید بتاریخ جهان آرا تألیف فاضل احمد غفاری در فصل اتابکان فارس،

جرجیس نبی، ۵۴،

جغانای، رجوع کنید بجغانای،

جغان نوین، از امراء کیوک خان که بفتح منزی یعنی چین جنوبی مأمور شد،

۲۱۱

جغتای (جغانای) بن چنگیز خان، ۲۱، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۹،

۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۱ (جغانای)، ۱۱۲، ۱۴۲، ۱۴۵،

۱۴۷، ۱۵۰ (جغانای)، ۱۶۳، ۱۶۶ (جغانای)، ۱۹۸ (جغانای)،

۲۰۴، ۲۰۵ ح، ۲۱۰، ۲۲۴ ح، ۲۲۶-۲۲۲،

جلال الدین [منکبری]، سلطان -، پسر علاء الدین محمد خوارزمشاه،

۵۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶-۱۰۹، ۱۱۲، ۱۴۵، ۱۴۹،

جمال الدین، امام -، از کبار ائمه مرو، ۱۲۶،

جمال الدین ابیه، ۱۱۶،

جنتور، از ملازمان چنگیز خان، ۶۸، ۶۹،

جوجی، املائی دبگیر توشی است،

جورجتای بن چنگیز خان، ۱۴۲،

جورماغون، از امراء معتبر اوکنای قآن که بفتح بلاد خراسان و عراق

و تعاقب سلطان جلال الدین منکبری مأمور بود، ۱۴۹، ۱۸۲،

۲۱۲

جینتای، از عیسویان ابغور و از مشاهیر ارکان دولت اوکنای قآن و

کیوک خان، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۱۹،

چاکمو، پدر سرفروشی بیکی زوجه نولی بن چنگیز خان و برادر اونک

خان پادشاه کرایت، ۸۴ ح،

چکین قورچی، از امراء اوکنای قآن، ۸۹،

چنگر خان ابن بسوکاے بهادر بن برتان بهادر بن قیل خان بن نومه

www.KitaboSunnat.com

خان بن بای سنکفور بن فایدو خان بن دونوم متن بن بوزنجیر بن الان
 قوا^(۱)، ۷، ۱۱، ۱۴-۱۸، ۲۱، ۲۵-۲۹، ۳۱-۳۴، ۴۶، ۴۷،
 ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۶، ۷۴، ۷۶-۸۲، ۸۵ ح،
 ۹۱-۹۵، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۴-۱۱۴، ۱۱۶-۱۱۸، ۱۲۴، ۱۳۰ ح،
 ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲-۱۴۷، ۱۴۹، ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۸،
 ۲۱۰ ح، ۲۲۰ ح، ۲۲۱، ۲۲۸،

چوچی، املائی دیگرِ نوشی است،

حاتم طائی، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۶ ح، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۹۰،
 ۱۹۱، ۱۹۵

حبش عمید الملک، امیر -، وزیر جغتای بن چنگیز خان، ۲۲۸-۲۴۲،
 حذیفه بن الیمان، ۷۴،

حسان [بن ثابت]، ۱۶۴ ح،

حسن حاجی، از ملازمان چنگیز خان، ۶۷، ۶۸،

حسین، پسر امیر -، ۵۹،

حماد راویه، ۱۸۸،

ابو حنیفه، امام اعظم، ۱۲۷،

خاموش، اناپک -، [ابن اناپک ازبک بن محمد بن ابلدگر آخرین
 اناپکان آذربایجان^(۲)]،

(۱) الان قوا مادر بوزنجیر است و بزعم مغول بوزنجیر مانند حضرت عیسی بنون پدر
 در وجود آمده است، رجوع کنید بجامع التواریخ طبع برزین ج ۲ ص ۱۰-۱۱۴،

(۲) «لم یختلف الأناپک ازبک ولداً الا الملک خاموش وکان قد وُلد اصم ابکم لابنهم
 و لایستفهم منه الا بالاشارات و لا کل احد بقدر تهیبه و الاستنهار منه الا شخص
 واحد قد رباه وقد سموه خاموشاً لانه غیر قادر علی النطق» (سیره جلال الدین
 منکبری لمحمد بن احمد النسوی باختصار، طبع هوداس ص ۱۲۹-۱۳۰)،

خانیه، ملوک - (در ماوراء النهر)، ۲۱ ح،

خسرو [پرویز]، ۱۵۴، ۲۰۷،

خمار، از انترک سلطانی در خوارزم، ۹۷، ۹۸، ۹۹،

خمیدبور، از امراء محمد خوارزمشاه در بخارا و برادر براق حاجب

مؤسس سلسله قراختانیان کرمان^(۱)، ۸۰،

خواجه، پسر کیوک خان بن اوکنای قآن بن چنگیز خان، ۲۵، ۲۰۲،

۲۱۶ ح، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۱،

دارا، آخرین کیانیان، ۲۱۶،

دانشمند حاجب، از ملازمان چنگیز خان، ۷۶، ۱۶۳، ۱۷۴، ۱۸۶،

داود، پادشاه گرجستان (غیر از داود پسر قیز ملک)، ۲۰۵، ۲۱۲،

داود، پسر قیز ملک پادشاه گرجستان، ۲۰۵، ۲۱۲،

ابو ذفافة المصری، ۱۷۸ ح،

رانا، ۱۰۹،

رستم، ۷۱، ۹۱، ۱۰۷،

رسول الله (صلعم)، ۱۲، ۷۴، ۱۹۶،

رشید سوده گر، ۱۷۷،

رشید الدین فضل الله وزیر، مؤلف جامع التواریخ، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۸،

۱۱۴، ۲۲۰ (ح فی جمیع المواضع)،

رکن الدین [قلج ارسلان بن غیاث الدین کبخسرو بن علاه الدین کبفباد^(۲)

از سلاجقه روم]، سلطان -، ۲۰۵، ۲۱۲،

(۱) رجوع کنید بجلد دوم این کتاب یعنی جهانگشای ورق ۱۱۸۰،

(۲) برای بقیه نسب وی تا سلجوق رجوع کنید بعلاء الدین کبفباد،

رکن الدین امام زاده، امام - ، ۸۱ ،
 رکن الدین علی بن ابراهیم المغیثی قاضی ممالک بنیشابور، ۱۴۹ ،
 رکن الدین کرت، ۹۵ ،
 رودکی شاعر، ۱۶۴ ح ،

زرقاء بمامه، ۷۸ ،

ساقون، از امراء ایغور، ۴۴ ، ۴۹ ،

سالندی، پادشاه ایغور، ۴۴ ،

بنو سامان، ۱۶۴ ح ،

سُبَیْ بَیْهَادِر، از اعیان امراء چنگیز خان که با همه نوین بتعاقب سلطان

محمد خوارزمشاه مأمور شدند، ۷۹ ، ۹۲ ، ۱۱۲-۱۱۵ ، ۱۱۷ ،

۱۲ ، ۱۳۵ ، ۱۴۶ ، ۱۵۰ ح ، ۲۱۱ ، ۲۲۴ ،

سچنه بیکی، ۲۲۰ ح ،

سدید اعور شاعر، ۲۲۸ ،

سراج الدین، سرخیل حشریان طوس، ۱۴۷ ،

سرتاق بن باتو بن نوشی بن چنگیز خان، ۲۲۴ ،

سرسیغ خان، از انراک سلطانی در سمرقند، ۹۵ ،

سرفوتی بیکی (سرفوتی، سرفوتی، سرفوتی، سیورقوفیتی، - همه اشکال

مختلفه همین کلمه و همه صحیح است ظاهراً)، زوجه نولی بن چنگیز خان

و مادر چهار پسر او منکو قان و فوبیلای قان و هولاکو و اربق

بوکا، ۲۸ ح ، ۸۴ (شرح در ح)، ۱۹۹ ، ۲۰۴ ، ۲۰۶ ح ، ۲۰۹ ،

۲۱۱ ح ، ۲۱۷ ، ۲۲۰ ح ،

ابو سعد بن ارمک، ۱۸۰ ح ،

سنتاق نکین، پسر اوزار خان المالیغ، ۵۸ ، ۶۴ ،

سککو، از امرای مغول در فتح خجند، ۷۰،

سلطان، یعنی جلال الدین منکبرنی بن محمد بن نکش خوارزمشاه، ۱۱۰،

۱۱۷، رجوع کنبد نیز بجلال الدین.

سلطان، یعنی محمد بن نکش خوارزمشاه، ۴۶-۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۸،

۶۰-۶۵، ۷۲، ۷۶، ۷۸، ۷۹-۸۲، ۹۰-۹۴، ۹۷، ۹۹، ۱۱۲،

۱۱۴ ح، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۴۴، ۱۴۵، رجوع کنبد

نیز بمحمد بن نکش،

سلیمان نبی، ۱۷۴،

سمرکنت (?)، ۲۰۱،

ابو السیمط الرّسعنی، ۱۸۴ ح،

سنائی شاعر، ۸،

ستای بهادر، از جانب اوکتای قآن بفتح قنچاق و سفسین و بلغار

مأمور شد (تصحیف ستای?)، ۱۵۰،

سنجر [بن ملکشاه سلجوقی]، سلطان -، ۱۱۹،

سنفر (سنفور) نکین، یکی از ملوک قدیم ایغور، ۴۱، ۴۲،

سنفولی بوکا، ۱۸۷،

سونج خان، از امرام محمد خوارزمشاه در بخارا، ۸۰،

سهل بن احمد النّیساوری، ابو صالح، ۱۸۰ ح،

سیرامون پسر جورماغون، از امرام کیوک خان، ۲۱۲،

سیرامون (شیرامون) بن کوچو بن اوکتای قآن بن چنگیز خان، ۲۰۶،

سیف الدین، امیر -، از ارکان دولت منکو قآن، ۴۵،

شافعی، امام -، ۱۲۷،

شاوگم، شحنة قراختای در ایغور، ۴۲،

شاه، نام شخصی در مرو، ۱۴۲،

- شرف الدین امیر مجلس، ۱۴۵، ۱۴۶،
 شمس الدین، از محنتان قهستان، ۲۰۵،
 شمس الدین، قاضی سرخس، ۱۲۴،
 شمس الدین پسر بهلوان ابو بکر دیوانه، ۱۲۸،
 شمس الدین حارثی، شیخ الاسلام، ۱۲۰-۱۲۳،
 شمس الدین صاحب الدیوان، جد (پدر پدر - ظ) مصنف، ۱۴۴،
 شمس الدین علی، امیر -، ۱۴۱،
 شمس الدین محبوبی، ۸۶، ۸۸، ۸۹،
 شمس الدین مسعود هروی، وزیر سلطان نکش خوارزمشاه، ۱۲۷،
 شور تیانکو، از امراء گور خان پادشاه قراختا، ۵۶،
 شهاب الدین، از محنتان قهستان، ۲۰۵،
 شیبان، رجوع کنید بشیبان،
 شیبانیة ماوراء النهر، ملوک -، ۱۴۴ ح،
 شیبان (شیبان) بن نوئی بن چنگیز خان، جد ملوک شیبانیة ماوراء
 النهر، ۵۱ ح، ۱۴۴، ۲۰۵، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۶،
 شیخ خان، از اترک سلطانی در سمرقند، ۹۲، ۱۲۴ (?)،
 شیرامون، رجوع کنید بسیرامون بن کوچو،
 شیرة علوی سمرقندی، ۲۰۰، ۲۰۱ ح، ۲۰۲،
 شیکی قونوقو، هان قونوقو نوین است، رجوع کنید بدین کلمه،

صالح پیغمبر، ۵۴،

ضحاک، ۸۴ ح،

ضیاء الدین علی، امیر -، از اکابر مرو، ۱۲۷-۱۴۰،
 ضیاء الملک زوزنی، از صدور خراسان، ۱۱۴، ۱۴۵،